

بررسی موانع فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری در غرب کابل

محمد اکبر رضوی^{۱*}، امان‌الله فصیحی^۲، نورالدین علوی^۳

۱- دانش آموخته ماستری جامعه‌شناسی دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان (نویسنده مسئول)

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان

۳- عضو هیئت علمی دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان

چکیده

توسعه پایدار شهری یکی از شاخه‌های مبحث کلان توسعه است، در زندگی شهری امروزه رسیدن به توسعه پایدار از اهداف اساسی شهروندان و دولت‌ها است. نقش و مشارکت مردم در این فرایند ضروری دانسته می‌شود. هدف از این تحقیق بررسی موانع فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری در غرب کابل است. داده‌ها با انجام مصاحبه هدفمند با مسئولین ناحیه‌های شاروالی، مردم و آگاهان امور شهری همراه با روش مشاهده مشارکتی جمع‌آوری شده است. سپس این مصاحبه‌ها پیاده و نکات مهم آن به صورت منظم با روش نظریه زمینه‌ای کدگذاری و با تشخیص مفاهیم، مقوله و قضایا دسته‌بندی گردیده است. عمده‌ترین موانع فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری چون: اختلافات فرهنگی، سطح پایین آگاهی، تراکم جمعیت، ضعف خدمات، سطح پایین مشارکت، آسیب‌های اجتماعی، نارضایتی جامعه محلی و سطح پایین سرمایه اجتماعی و ... شناسایی و به دو مقوله فرهنگ نابالغ شهری و ناپایداری اجتماعی پیوند داده شده است. سپس هریک از مفاهیم مورد بحث بیشتر قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: توسعه، توسعه پایدار، توسعه پایدار شهری، مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی

مقدمه

واژه توسعه پایدار از اواسط دهه ۷۰ میلادی مورد استفاده قرار گرفت، امروزه موضوع توسعه پایدار یکی از بحث‌های بسیار مهم در سطح بین‌المللی است. توسعه پایدار نیازهای نسل کنونی را بدون به مخاطره انداختن توانایی نسل‌های بعدی برای برآوردن نیازهایشان تامین می‌کند. این مفهوم بر رهیافتی بلندمدت دلالت دارد که علاوه بر مسائل زیست محیطی منابع انسانی و عوامل فرهنگی عرضه مواد غذایی، انرژی، صنعت و توسعه شهری را نیز مد نظر قرار می‌دهد. دیدگاه توسعه پایدار شهری به اجلاس‌های عمومی سازمان ملل و گزارش خانم براتلند بر می‌گردد. در یک دید اجمالی مبانی نظری مفهوم توسعه پایدار شهری شامل این موارد می‌شود: «کاهش آلودگی، نگهداری منابع طبیعی، کاهش حجم ضایعات شهری، افزایش بازافت‌ها، کاهش انرژی مصرفی، افزایش بیش از حد جانداران مفید در شهر و روستا یا ایجاد جامعه جنگلی و درختان شهری نواحی سبز، عدم تمرکز شهری و کاهش پراکندگی‌ها، افزایش تراکم متوسط در حومه‌های شهری و شهرهای کوچک، کاهش فواصل ارتباطی، ایجاد اشتغال محلی، توسعه متنوع مسکن در مراکز اشتغال، توسعه شهرهای کوچک برای کاهش اتکاء به شهرهای بزرگ، ساختار اجتماع متعادل، حمل و نقل عمومی و کاهش ترافیک جاده‌ای، مدیریت ضایعات بازافت نشدنی توزیع منابع و تهیه غذای پایدار محلی به این طریق در ابتدا با جایگزینی منابع و نوسازی آنها، اتخاذ سیاست کاربردی صحیح و محافظت از زمین بالا می‌رود؛ ثانیاً با توجه به برنامه‌ریزی شهر و ناحیه‌ای و سازماندهی فضا، توسعه پایدار شهری حاصل می‌شود.» (زیاری، ۱۳۸۹: ۲۲).

توسعه پایدار شهری موضوعاتی مانند جلوگیری از آلودگی‌های شهری و ناحیه‌ای، حمایت از بازافت‌ها، عدم حمایت از توسعه زیان آور و از بین بردن شکاف میان طبقات مختلف اجتماعی، دسترسی به خدمات، صحت، آموزش، امنیت، ارزش‌گذاری انسان، حفاظت و تقویت منابع فیزیکی، الگوی پایدار سکونت‌گاه‌ها، الگوی موثر حمل و نقل، برنامه‌ریزی و... را مطرح می‌کند. خلاصه توسعه پایدار شهری به دنبال ساختن یک شهر نسبتاً ایده‌آل و آرمانی است، که در آن همه شهروندان شهر از یک زندگی نسبتاً خوب برخوردار شوند و هم توانایی نسل‌های آینده برای برآورده کردن نیازهایشان به مخاطره نیفتد.

نظریه توسعه پایدار شهر مبحث گسترده است که بر اساس شاخص‌های معین طرح گردیده است. مثلاً شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی، و ... شامل می‌گردد.

در اینجا تلاش صورت می‌گیرد که از میان موانع مختلف و متعدد در برابر توسعه پایدار شهری تنها به موانع فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری در غرب کابل پرداخته شود. در افغانستان با افزایش جمعیت شهری بازگشت مهاجران و کوچ روستائینان به شهرهای بزرگ و مراکز ولایات سبب گردیده که

بسیاری از شهرها با مشکلاتی مانند حاشیه‌نشینی، کمبود مسکن، اشتغال، افزایش جرایم، مشکلات گسترده زیست محیطی و... مواجه گردد که در این پژوهش از میان مباحث متعدد مرتبط تنها به موانع فرهنگی و اجتماعی پرداخته شده است.

مطالعات توسعه پایدار شهری در افغانستان محدود بوده که تحت این عنوان تحقیق انجام نشده است. از آنجاییکه در حال حاضر شهرهای افغانستان با مشکلات زیادی مواجه است و نیازمند مطالعات گسترده علمی و تحقیقی در این زمینه است، لذا در این تحقیق کوشش می‌شود به این سوال پاسخ گفته شود که عمده‌ترین موانع فرهنگی و اجتماعی فراروی توسعه پایدار شهری در غرب کابل چه مواردی می‌باشند؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

شهر کابل به دلیل مرکزیت سیاسی و اجتماعی آن بیشتر با شرایط خاص اجتماعی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی مواجه است؛ نیازمند تحقیقات گسترده علمی می‌باشد که ضرورت تحقیق در این زمینه را در سه نکته زیر خلاصه می‌کنیم.

۱- کابل شهری است که بعد از تحولات اخیر در آستانه بازسازی دوباره زیرساخت‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری قرار دارد؛ که نهادهای بین‌المللی و حکومت، در جهت بهترسازی شهرتلاش می‌کنند، اما تحقیقات علمی در حوزه مطالعات شهری بسیار کم است.

۲- در افغانستان حداقل در حدود سه دهه اخیر، تحقیق جامع علمی در زمینه شهری متناسب با موضوع این تحقیق علمی صورت نگرفته است.

۳- شهر کابل در حال حاضر با موانع زیادی در زمینه رسیدن به توسعه پایدار شهری روبرو است. مانند: مهاجرت از روستاها به شهر، فقر، بیکاری، بازگشت مهاجران، حاشیه‌نشینی، نرخ بالای جرایم و... که مطالعات از این دست می‌تواند برای حرکت به سمت توسعه پایدار شهری مفید واقع گردد.

پیشینه تحقیق

در مورد توسعه پایدار شهری تحقیقات زیادی در حوزه زبان فارسی به ویژه در ایران صورت گرفته است؛ که بیشتر این تحقیقات به صورت عمومی مربوط به حوزه جامعه‌شناسی شهری می‌باشند. تعدادی از این آثار که بصورت کتاب می‌باشند، در بازار کتاب افغانستان قابل دسترس بوده و تحقیقات دانشگاهی و انفرادی انجام شده هم تاحدودی از طریق اینترنت قابل دریافت می‌باشند.

مطالعات انجام شده در زمینه مباحث شهری افغانستان بسیار محدود بوده و تاکنون مطالعه علمی تحت عنوان بررسی موانع فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری در کابل انجام نشده، اما به صورت پراکنده مطالعاتی در ارتباط با مباحث شهری در افغانستان انجام شده است. برعلاوه بعضی تحقیقات در زمینه مسائل شهری و استراتژی سکتور انکشاف شهری از کارهای عمده‌ای است که از سوی نهادهای رسمی دولتی انجام شده است؛ که بیشتر مربوط به مسائل زیست محیطی و مطالعات تخنیکی و استراتژی انکشاف شهری که با مسایل اجتماعی و فرهنگی شهر ارتباط چندان ندارد. همچنین یک تعداد کتاب‌ها و مقالات در زمینه شهر و زندگی شهری در افغانستان قبل از سال ۱۳۸۰ توسط نویسندگان خارجی و داخلی نگارش شده؛ اما بیشترین چالش‌ها در زمینه زندگی شهری در افغانستان که طی سال‌های اخیر ایجاد گردیده است که نیازمند مطالعات تازه در این زمینه می‌باشد. در ابتدا لازم است مفاهیم اصلی تحقیق را تعریف کنیم.

توسعه^۱: توسعه از لحاظ لغوی دارای معانی مشابه چون تغییر اجتماعی، رشد اجتماعی، تکامل اجتماعی، مدرنیزه شدن و پیشرفت می‌باشد (مرصوصی و بهرامی، ۱۳۹۰). توسعه از مباحثی است که در طی چند دهه اخیر بیشتر مورد بحث قرار گرفته است. اصطلاح توسعه به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد. واژه توسعه در لغت به معنای خروج از «لفاف» است. در قالب نظریه نوسازی، لفاف همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴).

مایکل تودارو^۲ معتقد است که توسعه را باید جریان چند بعدی دانست، که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام از حالت نا مطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق می‌یابد (تودارو، ۱۳۶۶).

بحث توسعه گسترده است که به انواع مختلف چون: توسعه اقتصادی، توسعه انسانی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی، توسعه پایدار... تقسیم گردیده، بنابر ربط موضوع، تنها مفاهیم توسعه پایدار و توسعه پایدار شهری را در اینجا مختصر توضیح می‌دهیم.

1. Development
2. Michael Todaro

توسعه پایدار: واژه توسعه پایدار را اولین بار به طور رسمی خانم براندت لند^۱ در سال ۱۹۸۷ در گزارش آینده مشترک ما مطرح کرد. این واژه در مفهوم گسترده آن به معنی «اداره و بهره‌برداری صحیح و کارا از منابع پایه، طبیعی، مالی و نیروی انسانی برای دستیابی به الگوی مصرف مطلوب است که با به کارگیری امکانات فنی و ساختار و تشکیلات مناسب برای رفع نیاز نسل امروز و آینده به طور مستمر و رضایت بخش امکان پذیر می‌شود.» (شکویی، ۱۳۷۳).

توسعه پایدار درحقیقت تعادل میان توسعه و محیط زیست است، در گزارش براندت لند توسعه پایدار «رفع نیازهای نسل حاضر بدون تضییع توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهایشان» تعریف شده و از این تعریف ساده سندی از کنفرانس ملل متحد در زمینه محیط زیست و توسعه به عنوان یک طرح کار توسعه پایدار برای قرن ۲۱ بیرون آمد. در واقع سیاست‌های اصولی توسعه پایدار در چهارمقوله زیر قابل تقسیم است:

- ۱- به حداقل رساندن مصرف منابع طبیعی تجدیدناپذیر مانند سوخت‌های فسیلی و منابع کافی.
- ۲- پایدارساختن مصرف منابع طبیعی تجدیدناپذیر (مانند آب‌های زیرزمینی، خاک و گیاهان).
- ۳- نگاه‌داشتن حد تولید ضایعات و آلودگی‌ها در میزان ظرفیت جذب محلی و جهانی مانند گازهای گلخانه‌ای، مواد شیمیایی نابودکننده اوزن و زباله‌های سمی.
- ۴- تامین نیازهای پایه انسانی و اجتماعی مانند دسترسی به معیشت، مشارکت اجتماعی و دسترسی به محیط سالم و خدمات پایه (زیاری، ۱۳۸۰).

توسعه پایدار شهری: توسعه پایدار شهری یک مفهوم گسترده است که تنها به نهادهای بزرگ منحصر نشده بلکه به شاخص‌های کوچک و درسطح محلی دارای کاربرد است. «توسعه پایدار، توسعه همه جانبه و ناظر بر ابعاد مختلف است و اگرچه نشان‌دهنده برداشت‌ها و تفسیرهای گوناگونی می‌باشد اما در مجموع بر «پایداری» و استمرار توسعه همگان و نسل‌های آینده طی زمان و همه جانبه‌نگری ابعاد پیچیده اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فرآیند توسعه درسطح یک کشور یا شهر و محله تاکید دارد. بررسی وضع موجود محلات، برنامه‌ریزان شهری را مجبور به برنامه‌ریزی در مقیاس‌های خرد در قالب واحدها و سلول‌های شهری یعنی محله‌ها نموده است که می‌توان ابعاد مختلف زندگی شهری را به شکل ملموس مورد بررسی قرارداد و یا برنامه‌ریزی مناسب و استفاده از منابع علمی یا شاخص‌های توسعه محله‌های شهری دست یافت. توسعه پایدار در مقیاس محله به معنای ارتقای کیفیت زندگی در شهر شامل همه ویژگی‌ها و اجزای

زیست محیطی، فرهنگی، سیاسی، اداری، اجتماعی و اقتصادی (بدون ایجاد مانعی برای نسل آینده) است» (Attfield & Mikinis, 1992).

توسعه پایدار شهری با پنج هدف کلی برای رسیدن به آینده شهری پایدارتر در شهرهای اروپایی مبتنی بر حداقل مصرف فضا و منابع طبیعی، کارآمد نمودن اداره جریان‌های شهری، حفاظت از سلامت جمعیت شهری، تامین دسترسی برابر به منابع و خدمات و مراقبت از تنوع فرهنگی و اجتماعی است. هدف اصلی توسعه پایدار، تامین نیازهای اساسی، بهبود و ارتقای سطح زندگی برای همه، حفظ و اداره بهتر اکوسیستم‌ها و آینده‌ای امن‌تر و سعادت‌مند ذکر شده است (Cohen, 2005).

روش انجام تحقیق

این تحقیق با روش نظریه زمینه‌ای انجام شده، که به صورت هدفمند با آگاهان مسائل شهری، کارمندان شاروالی کابل، ناحیه‌های شهری و مردم محل مصاحبه صورت گرفته که جمعا به تعداد چهل و پنج مصاحبه در طی شش ماه انجام شده، همچنین از سایر روش‌های چون یادداشت‌های میدانی، بررسی اسنادی و مشاهده مشارکتی در طول مدت تحقیق، کمک گرفته شد که بعد از گردآوری داده‌ها با روش نظریه زمینه‌ای کدگذاری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

قلمرو این تحقیق نواحی غرب شهر کابل است که شامل نواحی (ناحیه ۱۳، ناحیه ۶، ناحیه ۳، ناحیه ۵ ...) می‌گردد، که داده‌ها از این مناطق از شهر جمع‌آوری شده است. با توجه به خصلت موضوع و روش تحقیق از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. تعداد مصاحبه‌ها با مردم محل و تعداد دیگر که با آگاهان مسائل شهری صورت گرفته به صورت زنجیره‌ای درمورد افرادی که در ارتباط به این موضوع معلومات داشته رهنمایی خواسته شد و به این ترتیب به سراغ افراد آگاه مسائل شهری رفتیم.

یافته‌های تحقیق

به منظور دستیابی به موانع عینی و دسته‌بندی آنها به بخش‌های معین معلومات جمع‌آوری شده به دو بعد مهم فرهنگی و اجتماعی تقسیم‌بندی گردیده است.

موانع فرهنگی توسعه پایدار شهری در غرب کابل

در تقسیم‌بندی از توسعه پایدار شهری یکی از ابعاد آن بعد فرهنگی است. تولید فرهنگی و فرهنگ‌پذیری در جوامع انسانی در یک فرآیند تحولی، در نهایت راه را به سوی رشد و تعالی انسان، فرهنگ و محیط زیست هموار می‌سازد. بنابراین ارتباط آگاهانه و بدون واسطه انسان با محیط زیست از لوازم اولیه

توسعه پایدار به شمار می‌آید. فرهنگ عامل اصلی و به بیانی موتور توسعه پایدار است که بدون توجه به آن برنامه‌های توسعه موفقیت‌چندانی نخواهد داشت. (Lemon, 1991:34). داده‌های جمع‌آوری شده را کدبندی و در مقوله‌های مشخص تقسیم‌بندی نموده‌ایم.

مرتب سازی اطلاعات اولیه (کدگذاری باز)

مطابق روش نظریه زمینه هر مرحله از کدگذاری داده‌ها مراحل کوچکتر را نیز با خود دارد. اولین مرحله در کدگذاری باز تحلیل و کدگذاری است زیرا در ابتدای تحقیق بامقدار وسیع از داده‌ها روبرو هستیم که بدون انجام تکنیک‌های خاص قادر به کشف محتوای اصلی و یا مفاهیم از میان آنها نخواهیم بود. ممکن است از درون یک مصاحبه (متن) کدهای زیادی استخراج شود اما وقتی داده‌ها به طور مرتب مورد بازنگری قرار می‌گیرد کدهای جدید احصا و کدهای نهایی مشخص می‌شوند.

کدگذاری اولیه: در این مرحله به همه نکات کلیدی مصاحبه‌ها، عنوانی داده می‌شود. سپس همه این عناوین را در جدول‌های زیر قرار می‌دهیم.

جدول (۱) نمونه کدگذاری اولیه استخراج شده از دو مصاحبه اخیر

کدگذاری اولیه دو مصاحبه اخیر (موانع فرهنگی)
۱- اختلافات فرهنگی بین اقوام، گروه‌های مختلف جامعه محلی.
۲- اختلافات فرهنگی بین مهاجران برگشته از کشورهای خارج و روستائیان تازه وارد با ساکنان قدیمی.
۳- عدم علاقه‌مندی مردم به سینما، تئاتر، موزه و موسیقی.
۴- نبود تعداد کافی مراکز فرهنگی مانند کتابخانه.
۵- بی‌سوادی.
۶- نبود تعداد کافی مراکز نشر اطلاعات مانند روزنامه‌ها، مجلات و چاپخانه‌ها در محل.
۷- کمبود نهادهای آموزشی مانند دانشگاه‌ها، مکتب‌ها که به درستی نیازمندی‌های مردم را پاسخ دهد.
۸- کمبود ورزشگاه‌ها و مکان‌های عمومی در محلات.
۹- سطح پایین آگاهی شهروندان از قوانین و مقررات شهری..
۱۰- سطح پایین آگاهی و احساس مسئولیت شهروندان نسبت به منابع طبیعی مانند آب محیط سبز و...
۱۱- عدم آگاهی از توسعه زیان‌آور و آینده‌نگری.
۱۲- کمبود برنامه‌های آگاهی‌دهی از سوی نهادهای دولتی، رسانه‌ها و سایر نهادها و...
۱۳- کمبود امکانات آموزشی و مکاتب در غرب کابل
۱۴- عدم آموزش‌های مدنی و حقوق شهروندی در محتوای کتب درسی مکاتب.

کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات: در جدول زیر نتایج کدگذاری باز به کدهای ثانویه، کدهای مفهومی و مقولات تبدیل شده است. موضوعات مطرح شده که از فراوانی بیشتر در مصاحبه‌ها برخوردار بوده در کدهای ثانویه جا داده شده از آن کدهای مفهومی و به ترتیب مقولات فرعی استخراج شده است.

جدول (۲) کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی کدهای مفهومی و مقولات.

فراوانی	کدهای ثانویه	کدهای مفهومی	مقولات (طبقه فرعی)	طبقه اصلی
۱۲	<p>اختلافات فرهنگی بین اقوام، مهاجران، ساکنان قدیمی، مدگرایی و تبدیل شدن جامعه به یک جامعه مصرفی</p> <p>عدم علاقه‌مندی مردم به فعالیت‌های فرهنگی.</p> <p>بی‌سوادی</p> <p>نبود تعداد کافی مراکز فرهنگی مانند کتابخانه، موزیم و....</p> <p>باورها و ارزش‌های منافی توسعه نبودتعداد کافی مراکز نشراطلاعات.</p> <p>کمبود نهادهای آموزشی مانند دانشگاه ها، مکاتب.</p> <p>نبود آموزش‌های مدنی در محتوای کتب درسی مکاتب</p>	<p>اختلافات فرهنگی، بی‌سوادی، عدم فعالیت‌های فرهنگی، وجود باورها و ارزش‌های سنتی، کمبود مراکز فرهنگی و نهادهای آموزشی ودانشگاه‌ها، نبود آموزش های مدنی و شهروندی درمکاتب</p>	<p>اختلافات فرهنگی، بی‌سوادی، باورهای سنتی و کمبود امکانات فرهنگی</p>	فرهنگ نابالغ شهری

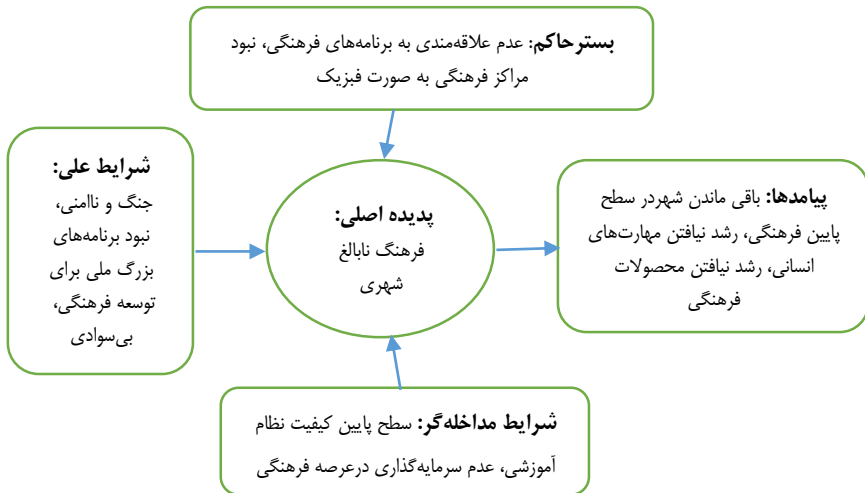
	سطح پایین آگاهی جامعه محلی	عدم آگاهی از قوانین و حقوق شهروندی، نبود برنامه‌های آگاهی دهی، نبود پایگاه‌های اطلاعاتی در ارتباط به مکان‌های عمومی	عدم آگاهی شهروندان از قوانین، و مسئولیت‌های شهروندی. سطح پایین آگاهی نسبت به منابع طبیعی. نبود برنامه‌های آگاهی‌دهی از جانب نهادهای دولتی، رسانه‌ها و... نبود سایت‌های اینترنتی، مراکز و نشریات راهنمای توریستی، مراکز خدمات، مراکز فرهنگی و...	۱۴
--	----------------------------	---	---	----

در ارتباط به مقوله مرکزی (فرهنگ نابالغ شهری) باید اشاره نمود که قسمت اعظم شهروندان کابل را تازه واردان تشکیل می‌دهند که از مناطق روستایی به کابل کوچیده‌اند، که با فرهنگ شهری آشنایی ندارند. تا هنوز مراکز فرهنگی رشد یافته نداشته و ارزش‌های سنتی حاکم است، از اختلافات فرهنگی رنج می‌برند و از قوانین و حقوق شهروندی اطلاع ندارند. بنابراین انتظار می‌رود که با گذشت زمان و با تداوم زندگی شهری و با جامعه‌پذیری مجدد این فرهنگ نابالغ شهری به سمت رشد حرکت کرده و با مدنیت زندگی شهری انطباق پیدا کند. این عدم بلوغ است که مانع برخی استراتژی‌های توسعه پایدار شهری در بعد فرهنگی آن می‌گردد.

ارتباط دهی مقولات (کدگذاری محوری)

کدگذاری محوری مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه زمینه‌ای است. هدف از این مرحله برقراری رابطه بین طبقه‌های تولیدشده (در مرحله کدگذاری باز) است. در اینجا شرایط علی بستر حاکم و شرایط دخیل در موانع توسعه شهری را به شکل نمودار نشان می‌دهیم.

نمودار (۱) کدگذاری محوری



در نمودار بالا رابطه پدیده اصلی که مانع توسعه پایدار شهری گردیده توضیح داده شده است. جنگ، نبود برنامه‌های بزرگ ملی در جهت انکشاف فرهنگی و بی‌سوادی به عنوان عوامل پدیدآورنده فرهنگ نابالغ شهری دانسته شده که تبعاتی مانند باقی ماندن شهر در سطح پایین فرهنگی و رشد نیافتن مهارت‌های انسانی و نداشتن تولیدات فرهنگی را در پی دارد. جهت فهم موضوع فرهنگ نابالغ شهری و مفاهیم مرتبط به موضوع را توضیح بیشتر می‌دهیم.

فرهنگ نابالغ شهری (کدگذاری انتخابی)

۱- اختلافات فرهنگی، بی‌سوادی، باورهای سنتی و کمبود امکانات فرهنگی: آنچه از متن این مصاحبه‌ها و نقاط مهم مرتبط به این مفهوم مقوله‌بندی گردیده است، نشان می‌دهد که ساکنان شهر کابل از ساختار قبیله‌ای و سنتی به مفهوم شهروندی عبور نکرده‌اند. شاید امر شکل‌گیری محله‌های قومی در شهرها طبیعی دانسته شود، اما در کابل مکانیسم‌های شکل‌گیری این محلات و چگونگی روابط آنها با محلات قومی دیگر از مناسبات و پیوندهای نخستین یا اولیه (خویشاوندی و قومیت) عبور نکرده و با پیوندهای تازه شهری مانند (همسایگی‌ها، شغل، امور سیاسی و...) بدل نشده است. مصاحبه دهندگان ضعف فرهنگ شهرنشینی، تعداد کم مراکز فرهنگی، سطح پایین علاقه‌مندی به کتاب خوانی و روزنامه‌خوانی، هم چنین بعضی باورهای سنتی را جزء موانع عمده فرهنگی در برابر توسعه پایدار شهری دانسته‌اند.

مطابق با داده‌های جمع‌آوری شده، نبود آموزش سالم یکی از بزرگترین چالش‌ها در برابر مردم افغانستان است. در غرب کابل به علت ازدیاد نفوس و عدم توجه نهادهای دولتی به این امر مهم یکی از بزرگترین چالش‌های فراروی توسعه پایدار شهری است. تعداد مراکز آموزشی دولتی و یا مکتب‌های موجود در غرب کابل کم است، در مکتب‌های بزرگ مانند حبیبیه، عبدالرحیم شهید و غیره تا حدود پانزده هزار دانش‌آموز مشغول آموزش‌اند که ازدیاد دانش‌آموز وضع مدیریت در نظام معارف کشور کیفیت آموزش و پرورش را پایین آورده است.

۲- سطح پایین آگاهی جامعه محلی: آگاهی شهروندان از قوانین و مقررات در کل به عنوان سرمایه فرهنگی یک جامعه شمرده می‌شود. میزان سرمایه فرهنگی نیز شامل مولفه‌هایی چون میزان دانش، اطلاعات، تحصیلات و آگاهی افراد از مقررات شهرداری‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی آنان است که افراد با توجه به آن رفتارشان را در جامعه تنظیم می‌کنند، مطالعه می‌شود.

مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد که بیشترین جمعیت شهری کابل از روستاها مهاجرت نموده‌اند. که سابقه شهرنشینی ندارند و همچنین بی‌سوادی به عنوان یک معضل دیگر اجتماعی دامنگیر جامعه است. بنابراین بیشتر شهروندان با فرهنگ سالم شهری آشنایی ندارند. بسیاری از شهروندان به جزء خانه شخصی‌شان در قبال شهرشان احساس مسئولیت نمی‌کنند و این شعار که شهر ما خانه ماست برای آنها بی‌مفهوم می‌نماید؛ زیرا انداختن اشغال و کثافات روی جاده‌ها و یا مکان‌های عمومی بی‌توجهی و آسیب زدن به اموال عمومی و محیط زیست، مانند مصرف بی‌رویه آب، استفاده از مواد سوختی که به صحت مضر است. همه بیانگر این نکته است که شهروندان به سطحی از آگاهی نرسیده‌اند، که به آینده شهر کابل بیندیشند و از تمام امکانات شهر به درستی استفاده کنند. از همین رو مردم حاضر به پرداخت هزینه و وقت‌شان برای بهترسازی محلات‌شان نمی‌باشد.

موانع اجتماعی توسعه پایدار شهری در غرب کابل

در آغاز مباحث توسعه پایدار بعد انسانی آن زیاد مورد توجه نبوده اما با گذشت زمان و بروز چالش‌های جدید در فرایند توسعه پایدار مباحث انسانی توسعه در مرکز توجه مباحث شهری قرار گرفت. این بعد از توسعه در کشورهای در حال توسعه با موانع مختلف در بخش‌های مدیریت شهری، دسترسی به خدمات شهری، مشارکت و عدالت اجتماعی و ... مواجه است. این موانع به صورت عام در تمامی کشورهای در حال توسعه وجود دارد اما به چالش‌ها و موانع در سطح محلی و منطقوی آن باید توجه نمود.

کدگذاری داده‌ها

کدگذاری باز: دربخش دوم تحقیق (موانع اجتماعی توسعه پایدارشهری) با مجموعه اطلاعات بیشتر مواجه هستیم. در ابتدا به کدگذاری باز پرداخته و با ترسیم جدول کدهای اولیه از چند مصاحبه اخیر که با آنها به اشباع نظری رسیدیم به بررسی بعد اجتماعی توسعه پایدارشهری می‌پردازیم.

جدول (۳) کدگذاری اولیه

کدگذاری اولیه سه مصاحبه اخیر (موانع اجتماعی)	
۱-	تراکم جمعیت
۲-	ورود بی‌رویه روستاییان و مهاجران که از کشورهای خارجی برگشته‌اند و پیامدهای آن.
۳-	مشکل مسکن
۴-	فقر اقتصادی
۵-	بیکاری
۶-	نبود خدمات شهری مانند : مراکز صحتی، آتش نشانی و آمبولانس ، پاک‌کاری جاده‌ها و کوچه‌ها.
۷-	عدم دسترسی بعضی محلات به خدمات شهری از قبیل آب صحتی، برق، مخابرات و خدمات شهر داری.
۸-	نبود برنامه‌های توسعه‌ای پایدار در حاشیه‌های دور از مرکز شهر.
۹-	سطح پایین مشارکت و هم بستگی اجتماعی
۱۰-	عدم هماهنگی مردم محل برای تصمیم‌گیری در امورات کوچه و محل.
۱۱-	عدم هماهنگی میان مردم و نهادهای دولتی در مورد چگونگی اجرای برنامه‌های عمرانی از جانب دولت و سایر نهادها
۱۲-	نبود شورا و انجمن که متشکل از بزرگان محل که در مدیریت و برنامه‌ریزی های مرتبط به کوچه و محله تصمیم گیرند.
۱۳-	جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی.
۱۴-	ترافیک وسایط نقلیه (راه بندی) در جاده های عمومی در نواحی مختلف.
۱۵-	نارضایتی مردم محل از سطح پایین خدمات شهری.
۱۶-	نبود نهادهای محلی مانند مراکز صحتی، آتش نشانی، بانک، اداره پست، در محلات مختلف.
۱۷-	عدم رضایت و روحیه تعلق مکانی
۱۸-	نارضایتی از بی‌عدالتی در توزیع امکانات و خدمات.
۱۹-	ناهنجاری، عدم رعایت قانون.
۲۰-	بی‌اعتمادی: به همسایه‌ها، اقوام دیگر محله، و...
۲۱-	عدم علاقه‌مندی به مشارکت در طرح‌های توسعه، شورای محله، شاروالی / خدمات شهری.
۲۲-	ضعف اتصال به شبکه‌های اجتماعی
۲۳-	عدم احساس امنیت/ اعتماد به آمادگی نیروهای امنیتی
۲۴-	دلبستگی به همسایه‌ها، محیط محله و تمایل برای بهبود محله به صورت خود جوش.

کدگذاری ثانویه یا شکل‌دهی مقولات: برای رسیدن به مفاهیم کلی‌تر کدهای اولیه را به کدهای ثانویه و سپس کدهای مفهومی و مقولات فرعی تبدیل می‌نمائیم.

جدول (۴) کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی کدهای مفهومی و مقولات.

فراوانی	کدهای ثانویه	کدهای مفهومی	مقولات (طبقه فرعی)	طبقه اصلی
۹	تراکم جمعیت و مشکلات، ساختار طبقاتی در توزیع جمعیت، ورود بی‌رویه مهاجران روستایی و مهاجران از خارج کشور، تقاضای بلند مسکن، فقر اقتصادی، بیکاری	تراکم جمعیت، تقاضای مسکن، فقر اقتصادی، بیکاری	تراکم جمعیت و پیمانه‌های آن	
۸	عدم ارائه خدمات شهری مانند پاک نگهداشتن سرک‌های عمومی و کوچه‌ها به خصوص حاشیه‌ها، نبود فضای سبز و تفریح‌گاه‌ها، آمبولانس، اطفائیه. جاده‌های غیرمعیاری، ترافیک و شلوغی، نبود برنامه برای توسعه پایدار شهری، نبود ساخت و ساز در برخی محلات شهری	عدم دسترسی به خدمات شهری، نبود برنامه منظم برای توسعه شهری در برخی محلات.	نبود امکانات و ضعف خدمات شهری.	نایاباری اجتماعی
۷	سطح پایین مشارکت و همبستگی اجتماعی، عدم هماهنگی مردم محله درامورات جمعی، اختلاف بین اقوام و پیروان مذاهب گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی، عدم هماهنگی میان مردم و نهادهای دولتی در ارتباط به برنامه‌های عمرانی، تعداد محدود شورا و انجمن‌های و نهادهای مدنی.	سطح پایین مشارکت، عدم هماهنگی بین مردم و نهادهای اجرایی، نبود شوراهای محلی	سطح پایین مشارکت و همبستگی اجتماعی، تعداد محدود شوراهای محلی	

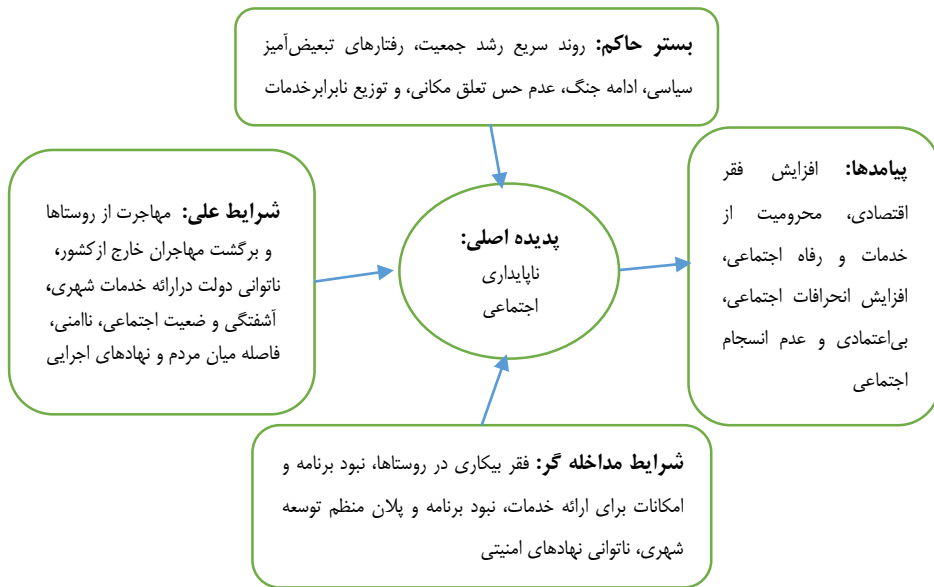
	نامی و آسیب‌های اجتماعی	میزان بلند جرایم، وجود اختلافات و نزاع‌های اجتماعی، انحرافات و ناهنجاری‌های متعدد، آلودگی صوتی	جرایم و انحرافات اجتماعی مانند: اعتیاد، فساد، سرقت، قتل، ... عدم مصونیت در پارک‌های شهری و محلات تفریحی، ترافیک (راه بندی) درجاده‌های عمومی در نواحی مختلف، آلودگی صوتی و شلوغی برهم زدن آرامش دیگران و مشکلات روانی آن	۱۲
	ناراضایی جامعه محلی و بی عدالتی اجتماعی	کمبود نهادهای خدمات رسانی، سطح پایین روحیه تعلق مکانی، بی عدالتی در توزیع امکانات،	نبود نهادهای محلی مانند: مراکز صحتی، آتش نشانی، بانک، اداره پست، در محلات مختلف، عدم رضایت و روحیه تعلق مکانی، بی عدالتی در توزیع امکانات و خدمات دولتی، نارضایتی مردم از انجام خدمات اجتماعی مانند خدمات صحتی، آموزشی، برق، و شاروالی.	۱۳
	سطح پایین سرمایه اجتماعی	قانون شکنی، بی اعتمادی، عدم علاقه مندی به مشارکت، شبکه‌های اجتماعی، آشفستگی اجتماعی	ناهنجاری، عدم رعایت قانون، بی اعتمادی میان شهروندان در لایه‌های مختلف اجتماعی، عدم علاقه مندی به مشارکت و فعالیت‌های جمعی، ضعف اتصال به شبکه‌های اجتماعی، بی باوری به آمادگی نیروهای امنیتی، سطح پایین دلبستگی به همسایه‌ها، محیط، کوچه‌های محله	۱۱

مفاهیم مختلف که از انجام تحقیق به دست آمده به ما نشان می‌دهد که شهر کابل با چالش‌های مختلف چون تراکم جمعیت و پیامدهای آن، نبود امکانات و خدمات، نامنی، نارضایتی مردم از تامین عدالت، عدم اعتماد، قانون شکنی و مواجه بوده که نوع ناپایداری در توسعه اجتماعی را ایجاد نموده، که در کل این موضوع تحت عنوان ناپایداری اجتماعی توضیح داده خواهد شد.

مرتبط‌سازی مقولات به هم (کدگذاری محوری)

در بخش موانع اجتماعی توسعه پایدار شهری در غرب کابل عوامل مختلف نقش داشته که بعد از تغییر شرایط سیاسی اجتماعی بعد از طالبان منجر به توسعه شهر از لحاظ جمعیتی و محدوده جغرافیایی گردیده اما این توسعه همگام با پایداری نبوده است. در نمودار زیر شرایط علی، بستر حاکم و شرایط دخیل در موانع اجتماعی توسعه پایدار شهری را نشان می‌دهیم.

نمودار (۲) کدگذاری محوری



در این نمودار نشان داده شده است، که مهاجرت گسترده از روستاها و برگشت مهاجران خارج از کشور، ناتوانی دولت در ارائه خدمات شهری، ناامنی، و فاصله میان مردم و دولت نوع آشفتگی در پایداری اجتماعی را پدید آورده است. ثبات و روند طبیعی در تحولات اجتماعی حاکم نبوده، بنابراین پیامدهای مختلف چون فقر اقتصادی، محرومیت از خدمات، افزایش آسیب‌های اجتماعی و عدم انسجام اجتماعی را در پی داشته که در کل تحت عنوان ناپایداری اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است.

ناپایداری اجتماعی (کدگذاری انتخابی)

۱- تراکم بی‌رویه جمعیت و پیامدهای آن: اکثر مصاحبه‌شوندگان بر این نکته اتفاق نظر دارند که جابجایی جمعیت در غرب کابل به صورت بی‌رویه انجام شده که وضعیت کنونی شهر و میزان خدمات آن جوابگوی جمعیت ساکن در آن نیست. جمعیت شهر کابل در یک و نیم دهه اخیر با بازگشت مهاجران چند دهه تحولات افغانستان از کشورهای دیگر به علاوه هجوم روستائیان فقیر از روستاها به این شهر به عنوان مرکز سیاسی اجتماعی افغانستان به شکل گسترده افزایش یافته که چالش‌های زیادی را به بار آورده است. مشکل مسکن، تراکم جمعیت در نقاط خاص و عمدتاً فقیرنشین، بیکاری، کار کودکان، فقر اقتصادی، میزان بلند جرایم و انحرافات اجتماعی و... از پیامدهای جدی آن است.

۲- نبود امکانات وضعف خدمات شهری: خدمات شهری موضوع گسترده‌ای است که به چند مورد از آن که در مصاحبه‌های انجام شده به فروانی یادآوری شده و عدم ارائه این خدمات را مردم مانع توسعه و مخل رفاه آسایش شان دانسته‌اند. یک نگاه به سیمای شهر کابل بیانگر عدم توجه و کم‌کاری مسئولین به خصوص شاروالی در این زمینه است.

یکی از این مشکلات وجود زباله‌های فراوان در کوچه‌ها و کنارجاده‌ها است، که این مشکل در غرب کابل و بخصوص نقاط دور از جاده‌های عمومی و کوچه‌ها خیلی جدی است. دفع و انتقال مواد زاید که در کنار سرک‌ها، کوچه‌ها و زمین‌های خالی انبار شده از نظر حفظ محیط زیست ضروری است. اما در غرب کابل در بسیاری از محلات و شهرک‌ها این خدمات از سوی شهرداری با وجود که مالیات و پول معین سالانه به نام صفای شهر به نمایندگی شاروالی در ناحیه‌ها تسلیم داده می‌شود، اما در زمینه جمع‌آوری و دفع زباله‌ها، کنترل آب آشامیدنی و حفظ اماکن عمومی توجه نمی‌گردد.

بخش دیگر توجه به خدمات رفاهی و تفریحی است که شامل آن دسته از خدمات شهری است که مربوط به ایجاد تمهیدات لازم برای گذراندن اوقات فراغت شهروندان شامل ایجاد مدیریت فضاهای کالبدی برای انجام فعالیت‌های رفاهی و تفریحی است، که شامل مکان‌های عمومی مانند: فضاهای باز، فضای سبز، زمین‌های ورزشی و تفریح‌گاه‌های عمومی اطراف شهر است که در غرب کابل وجود نداشته و هیچ گونه توجه در این زمینه صورت نگرفته است.

در بخش خدمات حفاظتی و ایمنی هم که شامل خدمات مربوط به اطفائیه (آتش نشانی) آمبولانس و رسیدگی حوادث غیرمترقبه می‌گردد، مصاحبه‌شوندگان نحوه انجام و خدمات‌رسانی را ضعیف دانسته که

در برخی موارد هیچ خدمت وجود ندارد یا به تاخیر انجام شده است. مانند دیر رسیدن اطفائیه، آمبولانس و ماموران در محل حادثه که بارها موجب نارضایتی و شکایت مردم شده است.

در بخش حمل و نقل عمومی و ترافیک جاده‌ای وضعیت مناسب وجود ندارد. شلوغی، برداشتن بیش از حد مجاز مسافر، رعایت نکردن قوانین ترافیکی، بی‌توجهی به وقت مسافران، راه بندی‌های طولانی، کم عرض بودن جاده‌ها، وجود دست‌فروشان در کنار جاده‌ها و پارک بی‌جای وسایط مشکلات و نابسامانی‌های است که اقدام جدی در زمینه ازسوی نهادهای اجرای صورت نمی‌گیرد.

سلامتی و صحت، چالش دیگر است که شهروندانی که از نحوه انجام خدمات در این زمینه به فراوانی در مصاحبه‌هایشان یاد کرده‌اند. از آنجاییکه تعداد شفاخانه‌های دولتی کم است بنابراین به گفته مصاحبه شونده‌گان به تعداد ۱۵ شفاخانه دولتی در شهر کابل فعالیت دارد. تعداد محدودی از این شفاخانه‌ها در غرب کابل موقعیت دارد، که عرضه خدمات صحتی در آنها محدود بوده و امکانات و داکتران کافی نظریه جمعیت ساکن در این نواحی و تعداد مراجعه‌کنندگان جوابگوی نیازمندی‌های صحتی مردم این نواحی از شهر نمی‌باشد.

خدمات شهری موارد زیادی را در بر می‌گیرد؛ به نظر مصاحبه شونده‌گان به چند مورد عمده و نیاز اساسی مانند آب صحتی و برق هم دسترسی منظم وجود ندارد. از جمله در مورد آب صحتی که نگرانی‌های زیادی وجود دارد. بنابر پیش‌بینی‌ها در صورت تداوم شرایط کنونی و عدم اقدام موثر در این زمینه در طی سال‌های آینده شهر کابل با مشکل نبود آب صحتی مواجه خواهد شد.

۳- سطح پایین مشارکت و تعداد محدود شوراهای محلی: در افغانستان سابقه مشارکت مردم در مدیریت شهری در گذشته به نقش شوراها و نمایندگان مردم و اقشار عمومی در تنظیف شهر، اعتراضات و انتقادهای شهروندان از کارکردهای دولت و شاروالی‌ها برمی‌گردد. اما مشارکت شهروندی در مدیریت شهری به خصوص در عصر حاضر متفاوت است، که امروزه می‌توان زمینه مشارکت در اداره امور شهرها را با عناوین زیر طبقه‌بندی کرد: فعالیت‌های عمرانی، فعالیت‌های مربوط به محیط زیست، فعالیت‌های نظارتی، فعالیت‌های مربوط به خدمات شهری و فعالیت‌های مربوط به رفاه اجتماعی و در افغانستان، مشارکت و سهم‌گیری مردم در اداره شهرها از طریق شوراهای مردمی، قومی، وکیل گذر و نمایندگان محله‌ها که به حیث تنظیم‌کننده روابط بین مردم و نهادهای دولتی است، صورت می‌گیرد.

در سیستم‌های مدرن شهرداری‌ها در جهان نقش و مشارکت مردم در پروژه‌های عمرانی و نحوه انجام خدمات و همچنین نقش نظارتی مردم امر ضروری است. بنابراین رئیس شهرداری‌ها در برخی کشورها

به صورت انتخابی بوده که با رای مردم انتخاب می‌گردد. بسیاری از پروژه‌های عمرانی با هماهنگی با مردم محل و با تشخیص دقیق نیازمندی‌های محلی صورت می‌گیرد، اما تا هنوز در افغانستان شهرداری‌ها انتخابی نبوده و هماهنگی و ارتباط شهروندان با نظام شهرداری هم بسیار ضعیف است. شوراهای فعال اجتماعی و مردمی که برای رفع نیازمندی‌های محل و مرجع ارتباطی و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی باشد محدود است و در برخی از کوچه‌ها و محلات عملاً وجود ندارد.

۴- **نامنی و انحرافات اجتماعی:** در افغانستان برعلاوه آسیب‌های اجتماعی مختلف که مانند بی‌سوادی، جنگ، قتل، سرقت و مشکل مواد مخدر، مساله تروریسم و گروه‌های تروریستی بیش از هر جای دیگر مشکل جدی است. حملات انتحاری و انفجارها در افغانستان و به خصوص شهر کابل به عنوان بزرگترین مشکل امنیتی و مانع بزرگ فراروی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شهر کابل شمرده می‌شود. مشکلات امنیتی مانند سرقت، قتل و برخوردهای فیزیکی و بسیاری از ناهنجاری‌ها و جرایم دیگر از مواردی است که بنا بر گزارش رسانه‌ها و اظهار نظر مردم و مصاحبه‌دهندگان آمار بلند در شهر کابل دارد.

نامنی و انحرافات اجتماعی تنها منحصر به نزاع‌ها و جنگ‌های قومی و مذهبی درون یک جامعه نمی‌شود. بسیاری از رفتارهای مجرمانه و هنجارشکنی‌های منفی فرهنگ عمومی، جامعه را از درون به چالش کشیده و مانع توسعه خواهد شد. در شهرها هم به دلیل تراکم جمعیت، فعالیت و رقابت‌های اقتصادی، وضعیت اجتماعی در معرض آسیب‌های مختلف قرار دارد. در غرب کابل این میزان آسیب‌های اجتماعی به دلیل ضعف نهادهای امنیتی، ساختار اجتماعی و ضعف فرهنگی با انواع مختلف آن قابل توجه است.

اعتیاد و فروش مواد مخدر مشکل اجتماعی در افغانستان است. این پدیده در غرب کابل به علت جاگرفتن تعدادی زیادی از معتادین در محل مشخص (زیرپل سوخته) در ناحیه ششم که به یک مساله جدی تبدیل شده است؛ نشان‌دهنده میزان بالای اعتیاد در بین جوانان و گستردگی این معضل در سطح کشور می‌باشد. به نظر مصاحبه‌شوندگان و آگاهان امور وجود تعداد زیادی از معتادین در مرکز شهر که در انظار عمومی مصرف استفاده از مواد مخدر هستند، پیامدهای ناگوار در پی خواهد داشت.

۵- **نارضایتی جامعه محلی:** مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد که نارضایتی شهروندان در غرب کابل تنها منحصر به خدمات شهری نمی‌گردد. میزان بالای بیکاری، نامنی، فقر، آلودگی زیست محیطی، سیمای نامطلوب شهر، همه موجب حس عدم تعلق خاطر به این شهر و موجب ناامیدی در بین شهروندان گردیده که مهاجرت‌های گسترده جوانان به کشورهای دیگر برای کار و مسکن‌گزینی بیانگر سطح بالای نارضایتی از زندگی در غرب کابل و در سطح کشور است. این نکته مشکل جدی در فرایند توسعه پایدار است.

۶- ضعف سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی با مولفه‌هایی چون هنجارگرایی، اعتماد، مشارکت، اتصال به شبکه، امنیت اجتماعی و انسجام اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مصاحبه‌ها از وجود ناهنجاری و بی‌نظمی در بخش‌های مختلف یادآوری شده که بسیاری از آنان در سطح شهر و در حضور همگان انجام شده است؛ مثلاً تخلفات رانندگی، بی‌نوبتی و شلوغ کردن در مکان‌های عمومی، بی‌توجهی به آداب و نزاکت‌های اجتماعی اینها مواردی هستند که در طول روز شهروندان، شاهد آن بوده‌اند.

اعتماد موضوعی است که در نحوه تعاملات اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است، که سطح اعتماد شهروندان را در ارتباط به همسایه‌ها، اقوام دیگر، نیروهای امنیتی و شهرداری مورد پرسش قرار گرفته که پاسخ‌ها نظر به مناطق از نگاه امنیت و همسایگی با اقوام مختلف و ساختار اجتماعی محل متفاوت است. در بعضی محلات تا حد زیادی اعتمادشان در سطح روابط بین همسایه‌ها و در کل مردم محل بالا است. همسایه‌ها همدیگر را به خوبی می‌شناسند و داد و ستدهای اجتماعی بین‌شان نهادینه شده و از میزان اعتماد بالایی هم برخوردارند. به طور نمونه از امانت گذاشتن اموال‌شان به همدیگر، پارک و وسایط‌شان در کوچه و بازماندن درب منازل‌شان در برخی اوقات روز نگرانی ندارند.

مثال‌هایی که ذکر گردید، مناطق با جمعیت ترکیبی از اقوام و ولایات مختلف و هم چنین مناطق حاشیه‌ای دور دست در ناحیه‌های سیزدهم و ششم و پنجم، را صدق نمی‌کند. مشارکت و اتصال به شبکه‌های اجتماعی به درستی شکل نگرفته و در بسیاری از موارد با سطح پایین احساس امنیت قرار دارد. به گونه مثال ترس از اختطاف کودکان، مورد حمله قرار گرفتن در ساعات شب و مراودات اجتماعی کمتر قابل مشاهده است، به همین دلیل مشارکت‌شان در فعالیت‌های اجتماعی کمتر بوده و در برنامه‌ها و مراسم‌های مختلف مانند عروسی، مهمانی جشن‌ها و عزاداری یکدیگر کمتر حضور می‌یابند.

نتیجه‌گیری

جمع‌بندی کلی از مصاحبه‌ها، مشاهدات انجام شده و اسناد مرتبط به این موضوع نشان می‌دهد؛ که یکی از موانع عمده در برابر توسعه پایدار شهری در غرب کابل موانع اجتماعی و فرهنگی به اضافه چالش‌های زیست محیط و اقتصادی آن است. این موانع در ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی آن وجود دارد. در بعد فرهنگی بیشتر ساکنان را تازه واردان روستایی تشکیل می‌دهند که با هنجارهای شهری آشنایی ندارند، از قوانین و حقوق شهروندی اطلاع ندارند، بیشتر براساس باورها و سنت‌های ضد توسعه عمل می‌کنند و در سطح پایین آگاهی قرار دارند، که در کل فرهنگ نابالغ شهری را به نمایش می‌گذارند. در بعد اجتماعی چالش‌های فراوان چون ازدیاد جمعیت، نبود خدمات سالم شهری، سطح پایین مشارکت، نبود امنیت و انحرافات اجتماعی، نارضایتی جامعه محلی، فساد گسترده در نهادهای اجرایی و سطح پایین سرمایه

اجتماعی و ... جامعه را در یک وضعیت ناپایدار قرارداد است که در کل در این تحقیق تحت عنوان ناپایداری اجتماعی بحث صورت گرفته است. اینها همه از موانع عمده در برابر تحقق توسعه پایدار شهری است. برای رفع موانع توسعه پایدار شهری مطالعات دقیق علمی در ابعاد مختلف باید صورت گیرد. برای برداشتن چالش‌ها در سطح محلی آن پرداخته شود، میزان تراکم بی‌رویه جمعیت مدیریت شود به گونه که در انکشاف سکتورهای زراعت و مالداري در روستاها برنامه‌های موثر روی دست گرفته شود تا از تراکم جمعیت در نواحی شهری کاسته شود و تنها شهرها جای و منبع برای کار و دسترسی به امکانات شمرده نشود. توزیع و رساندن خدمات شهری در ابعاد مختلف آموزشی، صحتی و سایر امکانات مانند آب، برق و ... باید به شکل عادلانه آن فراهم گردد. در زمینه مشارکت و سهم‌دهی مردم در امورات مختلف شهری از سطح مشارکت و کیلان گذر به سهم‌گیری در برنامه‌های اجرائی و پروژه‌های شهری به عنوان مسئولیت شهروندی ارتقاء داده شود، زیرا توسعه پایدار در شهرهای امروزی بدون سهم‌گیری مردم امکان‌پذیر نیست. امنیت و رفاه اجتماعی از نیازهای اساسی است، همچنین برای آگاهی‌دهی شهروندان از قوانین، مقررات و فرهنگ شهرنشینی از رسانه‌های تصویری روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی می‌توان کار گرفت؛ تا میزان آگاهی شهروندان به مسئولیت‌های اجتماعی در مورد محل زندگی‌شان افزایش یابد. از میان برداشتن سنت‌های که مانع توسعه شهری می‌شود هم از طریق ترویج فرهنگ سالم شهرنشینی، ساختن نهادهایی چون دانشگاه‌ها، تولید نرم‌افزارهای فرهنگی، کتابخانه‌ها، فرهنگ‌سراها، ورزشگاه‌های عمومی و با تشویق به مطالعه می‌توان سطح فرهنگی را بالا برد.

در نهایت تحقق توسعه پایدار شهری بدون تامین رضایت جامعه محلی، از طریق فراهم‌سازی امکانات و خدمات شهری و توزیع عادلانه آن برای همه نواحی شهر امکان‌پذیر نیست. درصداين رضایت و آسایش مردم را فراهم نمود و حاشیه‌های شهری را هم یکسان با مناطق مرکزی شهر در نظر گرفت. احساس تعلق مکانی و امید به زندگی را از طریق رشد سرمایه اجتماعی بین مردم ایجاد نمود.

منابع

- ازکیا، مصطفی، غلام رضا، غفاری. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران، شرکت انتشارات کیهان
- تودارو، مایکل. (۱۳۶۶). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*. ترجمه: غلام علی فرجادی، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- تقی زاده، قاطمه. (۱۳۸۷). *توسعه پایدار، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی*. (چاپ اول) تهران: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور.
- توسلی، غلام عباس. (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی شهری*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور
- زیاری، کرامت الله. (۱۳۸۹). *برنامه‌ریزی شهرهای جدید*. تهران: انتشارات سمت.
- زیاری، کرامت الله. (۱۳۸۰). *توسعه کالبدی تهران در فرآیند مدرنیسم، پست مدرنیسم و جهانی شدن*. تهران: نشر مدرس
- سواج، مایک، وارد، آلن. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی شهری*. ترجمه: ابوالقاسم پوررضا، تهران: انتشارات سمت
- شارع پور، محمود. (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی شهری*. تهران: انتشارات سمت.
- شکویی، حسین. (۱۳۷۳). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*. ج ۱، تهران: انتشارات سمت
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). *انسان‌شناسی شهری*. تهران: نشرنی
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی*. ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشرنی
- مرصوصی، نفیسه؛ بهرامی، رحمت الله. (۱۳۹۱). *توسعه پایدار شهری*. تهران: انتشارات سمت.
- Attfield, R. Makin's, B. (1992). *International justice and third world*. London, Rutledge.
- Cohen, Barney. (2005). *Urbanization in Developing countries: current trends, future projections, and key challenges for sustainability, Technology in society*, New York.
- Leman, E. (1991). *sustainable Urban Development: strategic consideration for Urbanizing nation*, Ekistic, London.